

عدالت اجتماعی در کلام علی تا علی

نویسنده:

سید سعید موسوی فرد

انتشارات رویش بهاری

(rooyeshebahari)

سرشناسه	: موسوی فرد، سیدسعید، ۱۳۶۴ -
عنوان و نام پدیدآور	: عدالت اجتماعی در کلام علی تا علی نویسنده سیدسعید موسوی فرد
مشخصات نشر	: کرج: رویش بهاری، ۱۴۰۳.
مشخصات ظاهری	: ۱۲۴ ص
شابک	: ۹۷۸ - ۶۲۲ - ۹۱۸۱۴ - ۴ - ۷
وضعیت فهرست‌نویسی	: فیبا
موضوع	: علی بن ابی‌طالب (ع)، امام اول، ۲۳ قبل از هجرت - ۴۰ ق - دیدگاه درباره عدالت اجتماعی
موضوع	: Ali ibn Abi-talib, Imam I, 600-661 - Views on Social justice
موضوع	: عدالت اجتماعی - جنبه‌های مذهبی - اسلام
موضوع	: Social justice - Religious aspects - Islam
رده‌بندی کنگره	: BP۳۸/۰۹
رده‌بندی دیویی	: ۲۹۷/۹۵۱
شماره کتاب‌شناسی ملی	: ۹۶۸۲۱۳۸

عدالت اجتماعی در کلام علی تا علی

عنوان: عدالت اجتماعی در کلام علی تا علی

نویسنده: سیدسعید موسوی فرد

طراح جلد: گروه طراحی پلکان

ناشر: رویش بهاری

مدیر تولید: امیر حیدری

شابک: ۹۷۸ - ۶۲۲ - ۹۱۸۱۴ - ۴ - ۷

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

شناسه: ۱۴۳۴

۱۲۰۰۰۰ تومان

نوبت چاپ: اول تابستان ۱۴۰۳

کلیه حقوق برای ناشر محفوظ است.



فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۵	پیشگفتار.....
۷	مقدمه.....
فصل اول: کلیات	
۱۱	عدالت اجتماعی.....
۱۴	عدل.....
۱۴	معنای لغوی.....
۱۵	معنای اصطلاحی.....
۱۸	اقسام عدل.....
۱۸	الف: عدل الهی.....
۲۰	ب: عدل بشری.....
۲۱	عدالت اجتماعی.....
۲۸	جامعه.....
۲۸	الف: معنای لغوی.....
۲۸	ب: معنای اصطلاحی.....
۲۹	ویژگی‌های جامعه.....
۳۰	نهج البلاغه.....

فصل دوم:

مؤلفه‌های عدالت اجتماعی و راهکارهای ایجاد آن از منظر امام علی علیه

السلام در نهج‌البلاغه

- ۳۳.....
- ۳۵..... مؤلفه‌های عدالت اجتماعی از منظر امام علی علیه السلام در نهج‌البلاغه
- ۳۵..... ایمان
- ۳۶..... عقل
- ۳۸..... برابری
- ۴۶..... حقوق متقابل حکومت و مردم
- ۵۰..... راهکارهای ایجاد عدالت اجتماعی از منظر امام علی علیه السلام در نهج‌البلاغه
- ۵۰..... نظارت بر اعمال و رفتار صاحب منصبان در جامعه
- ۵۴..... ساده زیستی حاکمان اسلامی
- ۵۵..... رابطه بین حکام و مردم
- ۵۵..... وجود حاکمان و حکمرانان عادل و متقی
- ۵۷..... دوری از خودکامگی
- ۵۹..... برخورداری از حقوق دادرسی
- ۵۹..... مبارزه با اشرافیگری
- ۶۱..... قانون‌گرایی

فصل سوم:

مؤلفه‌های عدالت اجتماعی و راهکارهای ایجاد آن از منظر مقام معظم رهبری

- ۶۵..... مؤلفه‌های عدالت اجتماعی و راهکارهای ایجاد آن از منظر مقام معظم رهبری
- ۶۵..... ایمان
- ۶۸..... عقل
- ۷۱..... برابری
- ۷۲..... رعایت شایستگی‌ها در عرصه اجتماعی - سیاسی
- ۷۲..... الف. تعهد و تخصص

۷۳ ب. کفایت
۷۳ ج. اخلاص
۷۳ برخورداری از حمایت قانونی
۷۴ برخورداری از آزادی بیان در عرصه اجتماعی - سیاسی
۷۵ راه کارهای ایجاد عدالت اجتماعی از منظر مقام معظم رهبری
۷۶ جهت دهی صحیح به سبک زندگی در مسیر دین
۷۷ برخورداری از حقوق دادرسی
۷۸ گفتمان عدالت مهدوی علیه السلام
۸۱ تفکیک معیارهای عدالت
۸۱ جلوگیری از اشرافیگری و مقابله با فساد
۸۳ ترجیح جامعه و مردم بر منافع و اهداف حزبی توسط دولتمردان
۸۴ توجه به طبقات مستضعف و قشر ضعیف جامعه
۸۵ ایجاد فضای انتقاد و انتقاد پذیری در حکومت

فصل چهارم:

تطبیق مؤلفه های عدالت اجتماعی از دیدگاه امام علی علیه السلام و مقام معظم رهبری

۹۳ شباهتها
۹۸ تفاوت ها

فصل پنجم:

تطبیق راهکارهای عدالت اجتماعی از دیدگاه امام علی علیه السلام و مقام معظم رهبری

۱۰۳
۱۰۵ شباهت ها
۱۰۸ تفاوت ها
۱۱۲ نتیجه گیری
۱۱۷ منابع

پیشگفتار

عدالت اجتماعی به معنی «بهره‌مندی همه افراد جامعه از امکانات موجود در یک جامعه به تناسب ظرفیت‌ها» از پربسامدترین مفاهیم دانش اخلاق است. هدف دین، برپایی عملی عدالت است که آن هدف را برای تحقق عبودیت در زندگی فردی و اجتماعی انسان لازم می‌داند؛ بر همین مبنا حکومت آرمانی اسلام، حکومتی عدالت‌محور در گفتمان نظری و اجرایی آن است و در آرمانی‌ترین وجه، امام معصوم علیه‌السلام در رأس این حاکمیت قرار دارد. امام علی علیه‌السلام عدالت را یک تکلیف و وظیفه الهی می‌داند. در نهج‌البلاغه، عدالت اجتماعی به صورت یک فلسفه و یا نظریه اجتماعی، سیاسی و اقتصادی مورد توجه قرار گرفته است.

عدالت اجتماعی موضوعی برای مباحث نظری و مبانی برای مبارزه علیه ظالمان است. همچنین، هر اقدام عملی برای تحقق عدالت اجتماعی، جامعه را برای ظهور حضرت مهدی عجل الله فرجه یاری می‌کند؛ که آن آرزوی تمام رهبران، اندیشوران و آزادگان جهان از گذشته تا حال بوده است. بر همین اساس، مقام معظم رهبری به موضوع عدالت اجتماعی ورود پیدا کرده است. استخراج مؤلفه‌ها و راهکارهایی در خصوص چگونگی عملیاتی کردن عدالت اجتماعی از نهج‌البلاغه در حکومت علوی و به تبع آن، کلام مقام معظم رهبری در حکومت کنونی مهم‌ترین هدف این نوشته است که به شیوه کتابخانه‌ای- اسنادی جمع آوری شده است.

عدالت اجتماعی از منظر امام علی علیه السلام و مقام معظم رهبری دارای مؤلفه‌های یکسانی است؛ مؤلفه‌هایی همچون: ایمان کارگزاران، تساوی در حقوق، توحید و عقلانیت‌گرایی. اگر چه برای رسیدن به آن راهکارهای مشابه و گاه متفاوتی ارائه شده است؛ از جمله مقابله با اشرافیت، توجه به طبقات مستضعفین، سخت‌گیری در اجرای عدالت، روش در نظارت بر عملکرد مسئولان و کارگزاران، اجرای عدالت جهت رسیدن به حکومت مهدوی.

مقدمه

عدالت اجتماعی از مهم‌ترین واژه‌ها در تمدن بشری محسوب می‌شود و به اعتقاد و باور هر انسان، رعایت عدالت از ضروری‌ترین امور به شمار می‌آید. در آموزه‌های دینی و قرآنی برقراری عدالت، یکی از هدف‌های اصلی بعثت انبیاء قلمداد شده است. مطالعه در تاریخ امامت ائمه علیهم‌السلام بیانگر این موضوع است که امامان همواره نسبت به این مهم، اهتمام داشته‌اند. امام علی علیه‌السلام شخصیت ممتازی است که نظرات ایشان در زمینه‌های مختلف که برخاسته از منبع لایزال وحی الهی است، به عنوان حجت رفتاری برای مسلمانان تلقی می‌گردد. مهم‌ترین کتاب و سند معتبر از اندیشه‌ها و سیره‌ی حضرت، نهج‌البلاغه می‌باشد و این کتاب، راهنمایی است برای کسانی که می‌خواهند روش امام را در زندگی مخصوصاً حکومت‌داری پیش بگیرند.

نهج‌البلاغه شامل سخنان حضرت در موضوعات گوناگون از جمله عدالت اجتماعی است. امام علی علیه‌السلام عین عدل و نمونه کامل انسان عادل بوده و سخنان ارزشمند و سیره‌ی حکومتی وی در برقراری عدالت اجتماعی، درس بزرگ برای جهان بشریت است که اگر به آن‌ها تمسک شود، بسیاری از مشکلات جوامع بشر حل خواهد شد.

در دیدگاه امام برقراری عدالت اجتماعی (قسط) از مهمترین وظایف انبیای الهی است که از طریق اجرای احکام و تشکیل حکومت به وسیله نبی یا پیروانش اعمال می‌گردد. اما اقامه عدل در جامعه بشری که سیره مستمره‌ی انبیا بوده مقدمه و وسیله رسیدن به مرتبه والاتر عدل، یعنی استقرار عدالت در سراسر وجود انسان است، یعنی ساختن انسانی که عقل و نفس و ظاهر و باطن و عقاید و اخلاقش بر صراط مستقیم و حد اعتدال باشد، و این است عدالت موعود اسلام که به خواست خداوند به دست ولی عصر (عج) به طور کامل بر پا می‌گردد.^۱

در اسلام، حق، منشأ و مبنای مشروعیت هر کاری است و بنابراین آنچه حق نیست مشروع هم نیست. مثلاً در مورد آزادی، هر آزادی در اسلام حق نیست و نمی‌تواند مشروعیت داشته باشد. هدای آزادی به شخصی که حق و حقوق افراد را از بین ببرد نه تنها قانونی نیست بلکه عدالت جامعه را به خطر می‌اندازد، چنانچه در قرآن هم به این

۱. موسوی، سید روح الله، «عدل الهی از دیدگاه امام خمینی»، ص ۴۰.

موضوع اشاره شده و وجه افتراق افراد را نگاه و رفتار عادلانه آن‌ها در جامعه می‌داند؛ از نامه‌های امام علی علیه‌السلام به سهل بن حنیف انصاری که از جانب او بر مدینه حکم فرما بود آشکار است که عدل و دوستی، شاخص مسئولیت و آزادی در جامعه اسلامی است: «عدل و راستی را (از روش ما) شناخته، دیدند و شنیدند و در گوش دارند و دانستند مردمی که نزد ما هستند در حق برابرند، پس (بین آن‌ها چیزی تقسیم نمی‌کنیم مگر با تسویه) گریختند تا اینکه سودی را به خود اختصاص داده و دیگران را بی‌بهره نمایند. خدا آن‌ها را از رحمتش دور گرداند.»^۲

علی علیه‌السلام بیش از آنکه به عدل از دیده فردی و شخصی نگاه کند، جنبه‌ی اجتماعی آن را لحاظ می‌نمود. عدالت به صورت یک فلسفه اجتماعی اسلامی مورد توجه مولای متقیان بوده و آن را ناموس بزرگ اسلامی تلقی می‌کرده و از هر چیزی بالاتر می‌دانسته است و سیاستش بر مبنای این اصل تأسیس شده بود.

بنابراین بررسی سیره و روش امام علی علیه‌السلام در حکومت‌داری نشان می‌دهد که ایشان در مواجهه با بی‌عدالتی هرگز تسامح نکرده و دیگران به خصوص دولت‌مردان حکومت اسلامی را بدان توصیه و سفارش می‌کند.

آیت‌الله خامنه‌ای به عنوان رهبر جامعه و یک اندیشمند اسلامی، سعی کرده است تا اندیشه‌های سیاسی حضرت را در آثار اندیشه‌های سیاسی خود بگنجاند و از دیدگاه‌های امام علی علیه‌السلام الهام بگیرد. لذا می‌توان گفت که از جمله شیوه عملی سیاسی، مقوله عدالت اجتماعی و برپایی آن در جامعه است که امام علی علیه‌السلام در مقام امام معصوم شیعیان و آیت‌الله خامنه‌ای به عنوان رهبر فعلی جامعه در روش خود اتخاذ کرده‌اند. دیدگاه و اظهارنظرهای آیت‌الله خامنه‌ای در قلمرو عدالت اجتماعی نیز برگرفته از گفتار و عملکرد امام علی علیه‌السلام در حکومت‌داری است.

۱. وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا رُجُلَيْنِ أَحَدُهُمَا أَبْكَمُ لَا يَقْدِرُ عَلَى شَيْءٍ وَهُوَ كَلٌّ عَلَى مَوْلَاهُ أَيْنَمَا يُوَجِّههُ لَا يَأْتِ بِخَيْرٍ هَلْ يَسْتَوِي هُوَ وَمَنْ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَهُوَ عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ (و خدا مثلی زده (بشنوید): دو نفر مرد یکی بنده‌ای باشد گنگ و از هر جهت عاجز و کلّ بر مولای خود که از هیچ راه، خیری به مالک خویش نرساند و دیگری مردی (آزاد و مقتدر) که به عدالت و احسان فرمان دهد و خود هم به راه مستقیم باشد، آیا این دو نفر یکسانند؟) نحل: ۱۶، آیه ۷۶.

۲. نهج البلاغه (ترجمه فیض الاسلام)، نامه ۷۰، ص ۱۰۷۲.